

بروقن حدیث آیتن اصبح الملک المهدی و تحویل کعبه الی محمد بن عبد الله که خبر است
لفظ اول آن شمس است معنی معطوف است که در جمل خبریه سابق بر اول فاعل است
خبر جمله خبریه است معنی آنست که از جمله آن نعمتها دخول است بصحبت و عاقبت
در صبح و معنویت است که هر یک از آنها ملک خاصه است و تعطف است
و خبر خبر است عاقله صحیح چه هر یک از خبری جمله هر یک از آنها ملک خاصه
ناب است که لاله لاله یعنی ذات خداست مصف یا بسمیت و صدابت
و عدم نیکت موجود در این موجودات در صفت از صفات او و قادر است
الاطلاق بر جمیع ممکنات پس اختصاص جنس جمله ملک نیز او را دست پس
کلی بود تعقل است و قبل معطوف بحرف عطف و تحویل که جمله خبریه
حال باشد از فاعل و صحیح و کذا الحال و امینا و بر هر تقدیر بعد از طلوع از
مذکور دخول صبح و مسامحه نموده از آنچه مانع باشد از جمله و نماز فرمود
اسألک الی یاری ای پروردگار من سوال میکنم از تو بخبر خبری که حاصل است
در همین روز و یکی خبری که حاصل است بعد از این روز و بنامه من طلبم موازی است
خبری که درین روز است و از خبر خبری که بعد ازین روز است فوق هذا اليوم
و فوق ما بعین شبکاف هذه اللیل و بعد که مکتوب است و عاقله القیام
یعنی المواضع المتعدده مصف رحمہ اللہ کفایت المراد بالیوم و ذکر الصبح
از من طلوع الفجر الی غروب الشمس المراد باللیل ذکر المسامحه من الغروب
الی الفجر انهن لیکن ظاهر التثنی که در ایوم و بعد احواف هر دو باشد چنانکه
مفهوم میشود از حدیث من قرأ صبح من قرأ صبح من قرأ صبح من قرأ صبح
این باب نیز که القیام صبح کل یوم و مسامحه و اگر مراد بصبح و مسامحه

و غیر

و لیله باشد پس مع خبر ما بعد ایوم و خبر ما بعد اللیله مثلما ظاهرت که صحبت
و نیز فرمود رب اعوذ بک الی ای پروردگار من بنام معجز تو از کما یعملون
در طاعت و از عملین کردن کلان سالی که سبب به عقاب است و در شورش
تصور تمام در طاعت و اگر نه وارد شدن است طو به علی طالع عمره و صبح جمله
و مویه این روایت است روایت سنی از ابن مسعود در خطبه از عمر بن
طریق سوم اللقوی سور عاقبت کون یا جرد کفر کون ان نعمت است بروقن
روایت که سلکونی موعده یا از نبی کفر و کردن کشته که از صفات شمشیر است
یعنی فرمانه نزد حصول نعمت تو که من عذاب یعنی نماند حرم از عذاب
قلیل و نیز ملک از عذاب قلیل هم در روز صدمه و بقره من خون در هر یک
برای نیکتر است که مثل قلیل و نیز است با بار تعقل و تحبب از مولای
که گفته است نیکتر برای تو و تعظیم اللهم الی اعوذ بک
من الکسل و الهیثم و سوء اللیل و فتنه اللیل و عذاب
القبری اصحنا و اصبح الملک بیده رب العالمین اللهم
القی السالک خیر هذا النوم فحله و نصره و قومه و
بک کتبه و هذا و اعوذ بک من شئ ما فیہ و شئ ما بعد
اللهم بک اصحنا بک امینا و بک سخی و مؤت و
الیک التشیق
هرم یفقی کلان سالی از باب علم
هرم بگردم نعمت است فسد الدیاعار است از کوه و قبل و صفت
و کناه و غیر ذلک شورش من شدن از باب خبر و چون اطلاق شورش و قیام
از نوم که از الموت است پس الیک الشورش و صبح مسامحه است و اطلاق

Copyrighted by University